

سید خلیل سجادیپور

info@khorasannews.com



مستاجری که به اتهام قتل زن صاحبخانه در مشهد دستگیر شده است، در حالی انگیزه جنایت را وسوسه طلا عنوان کرد که پای یکی از دوستان قدیمی اش را به این پرونده جنایی کشید. به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، حدود ساعت ۱۱ صبح روز سه شنبه گذشته اهالی خیابان شاهنامه ۶۹ با سروصدا و فریادهایی که از یک منزل مسکونی به گوش رسید، از خانه بیرون آمدند و جوان مستاجر را دیدند که هراسان و حیران به پشت بام منزل گریخت. لحظاتی بعد با انتقال پیکر مجروح زن ۵۳ ساله به بیمارستان طالقانی مشهد، مشخص شد که زن صاحبخانه هدف ضربات وحشتناک چاقو قرار گرفته است. در حالی که خبر این ماجرای هولناک در بیسیم های پلیس پیچیده



بود اقدامات درمانی نیز به نتیجه نرسید و زن مذکور بر اثر عوارض ناشی از اصابت چاقو جان سپرد. هنوز دقایقی بیشتر از این حادثه تلخ نگذشته بود که قاضی ویژه قتل عمد مشهد، دستور های ویژه ای را برای انجام تحقیقات مقدماتی به نیروهای انتظامی صادر کرد و خود نیز عازم مرکز درمانی شد. از سوی دیگر گروهی کارآزموده از افسران پاسگاه انتظامی فردوسی به فرماندهی سروان مصطفی حسینی (فرمانده پاسگاه) به طرف خیابان شاهنامه ۶۹ حرکت کردند و جوان ۲۷ ساله را در حالی در پشت بام منزل مسکونی دستگیر کردند که برخی از شاهدان عینی مدعی بودند چاقویی را در دست مستاجر جوان مشاهده کرده اند. طولی نکشید که با انتقال «سعید-الف» به مقر انتظامی، تحقیقات میدانی نیز با حضور قاضی دکتر صادق صفری در محل وقوع جنایت آغاز شد. مرد صاحبخانه که در این ماجرای تکان دهنده همسرش را از دست داده بود، با اعلام شکایت از مستاجر خود گفت: این پسر به همراه مادرش از مدت ها قبل در منزل مستاجر بودند و من چندین ماه اجاره را طلبکار بودم به همین دلیل باهم اختلاف حساب داشتیم ولی او یک ساعت قبل از وقوع قتل چندین میلیون تومان به حساب بانکی من واریز کرده بود. بنابر گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، این در حالی بود که متهم جوان به کلی ارتکاب قتل را انکار کرد و مدعی شده تنها چاقویی در دست نداشت بلکه از قتل زن صاحبخانه هم دچار حیرت شده است. این گونه بود که گروه کارآگاهان پلیس آگاهی با نظارت مستقیم سرهنگ محمدرضا فدائیان (رئیس پلیس آگاهی) وارد عمل شدند و بارانمایی های مقام قضایی، بررسی های تخصصی را به شیوه علمی و

### بااعترافات مستاجر متهم به قتل فاش شد

## «برق النگوهای طلا»، زنی را به قتلگاه برد!



کارآگاهی ادامه دادند. اعضای این گروه که هدایت آن را سروان آرمن منفرد (افسر پرونده) به عهده داشت در بازرسی از حمام منزل مسکونی قمه ای را کشف کردند که غلاف نداشت اما این که قمه چگونه در حمام ها شده در حالی که شاهدان آن را در دست متهم هنگام فرار به پشت بام دیده اند، معمایی بود که در دهلیز های تاریک این ماجرای جنایی قرار گرفته بود ولی طولی نکشید که کارآگاهان هنگام جست و جو در پشت بام، روزنه ای پیدا کردند که شبیه کانال کولر بود. وقتی یکی از عوامل بررسی صحنه جرم، کاردی را به داخل روزنه انداخت در کمال باواری به داخل حمام منزل مسکونی سقوط کرد و بدین ترتیب از این ماجرا رمزشگشایی شد. از سوی دیگر هم با پیدا شدن غلاف قمه در بازرسی منزل استیجاری متهم، فرضیه جنایت از وی در حالی قوت گرفت که تصویر همان غلاف نیز در صفحه گوشی تلفن وی نمایان شد اما هنوز هم جوان ۲۷ ساله مستاجر خود را بی خبر از ماجرای قتل نشان می داد. حالا دیگر عقربه های ساعت به نیمه شب نزدیک می شدند که کارآگاهان با دستور مقام قضایی، برخی از اسناد و مدارک را مقابل دیدگان متهم به قتل قرار دادند. او که دیگر نمی توانست حضور خود در صحنه جنایت را انکار کند در حضور رئیس پاسگاه انتظامی و افسر پرونده لب به اعتراف گشود و برخی از زوایای پنهان این جنایت تکان دهنده را فاش کرد. او به قاضی صفری گفت: دچار مشکلات مالی شدیدی بودم به طوری که نمی توانستم اجاره منزل را پرداخت کنم تا این که یکی از هم خدمتی های دوستانم از زابل به مشهد آمد. او در زمینه خرید و فروش طلا فعالیت داشت، به همین خاطر از من خواست اگر جایی طلا سراغ دارم به او نشان بدهم تا او آن ها را اسرقت کند و سهم مرا هم بدهد! من هم که برق النگوهای زن صاحبخانه وسوسه ام کرده بود، به

## صحنه آدمکشی در نزاع مسلحانه پسر عموها بازسازی شد



آرمن منفرد (افسر پرونده) ادامه یافت و کارآگاهان بعد از ۲۰ ماه تلاش و رد زنی های شبانه روزی، بالاخره متهم فراری را به دام انداختند. بنابر این گزارش، روز گذشته متهم این پرونده با دستور قاضی شعبه ۲۵۵ دادرسی عمومی و انقلاب مشهد به محل وقوع جنایت هدایت شد و جزئیات صحنه آدمکشی با شلیک ۸۰ گلوله ساچمه ای را در حضور قاضی صفری و کارآگاهان اداره جنایی آگاهی بازسازی کرد.

انداختند اما ناگهان صدای شلیک های ساچمه ای از سلاح ینچستر، همه عاملان نزاع را میخکوب کرد. در همین حال جوان ۳۵ ساله ای به نام «حامد-ف» به قتل رسید و یکی دیگر از پسر عموها نیز به شدت مجروح شد. گزارش روزنامه خراسان حاکی است در حالی که جیب و فریاد به راه افتاده بود، عاملان نزاع مسلحانه از صحنه جنایت گریختند اما طولی نکشید که با دستور های ویژه قاضی دکتر صادق صفری تعدادی از عوامل این نزاع مبارک در عملیات ضربتی کارآگاهان پلیس آگاهی مشهد دستگیر شدند اما عامل اصلی آدمکشی همچنان فراری بود. به همین خاطر رصدهای اطلاعاتی توسط سروان

**سید خلیل سجادیپور** - جوانی که با شلیک ۸۰ گلوله ساچمه ای پسر عموش را به قتل رسانده بود، صبح روز گذشته صحنه جنایت را در حضور قاضی ویژه قتل عمد مشهد بازسازی کرد. به گزارش روزنامه خراسان، این جنایت تلخ پنجم تیر سال گذشته هنگامی رخ داد که چندپسر عموه به خاطر اختلافات بین همسرانشان، ورودی یکدیگر قرار گرفتند تا جایی که کار به صفا رایی جنایی کشید و نزاع وحشتناکی برای گرفتن زهر چشم از یکدیگر آغاز شد. در این میان تعدادی از پسر عموها به سوی منزل طرف های مقابل حرکت کردند و با شکستن شیشه خودروها، صحنه ای از ترس و وحشت به راه

#### در امتداد تاریکی

### پروانه ای در قفس شیشه ای!

زمانی که روزهای نوجوانی ام را در روستایی گذراندم احساس می کردم پروانه ای آزاد هستم که در قفس شیشه ای به دام افتاده ام. می خواستم دنیای بیرون از روستا را هم تجربه کنم و به دانشگاه بروم اما آن

روز که سیلی تلخ را خوردم تازه فهمیدم که ...

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، زن ۳۵ ساله ای که برای رهایی از دام خود ساخته به نیروهای انتظامی پناه آورده بود، در باره سرگذشت پرفراز و نشیب خود گفت: در یک خانواده معمولی به دنیا آمدم و با هوای دل انگیز و منظره های زیبای روستا خو گرفتم. پدرم کشاورزی می کرد و من از بوی باران خورده خاک و عطر علف های وحشی لذت می بردم. اگر چه گاهی پدر و برادرانم حتی برای رفت و آمد همایم سخت می گرفتند اما من عاشق دستان پنبه بسته پدرم بودم و لبخند های تلخ و شیرین مادر مرا با هیچ چیزی عوض نمی کردم اما سری پر شور داشتم و همواره می خواستم دنیای بیرون از روستا را تجربه کنم!

دوست داشتم مانند پروانه ای زیبا آزاد باشم و تا دانشگاه های بزرگ کشور پرواز کنم ولی انگار که در یک قفس شیشه ای گیر افتاده بودم. پدرم اجازه تحصیل در یک شهر دیگر را نداد و معتقد بود به اندازه کافی تحصیل کرده ام. در همین روزها خواستگاری به منزل لمان می آمدند اما همه آن ها از اهالی روستاهای اطراف بودند تا این که بالاخره در یک مهمانی محلی، جوانی جذاب و خوش قیافه دلم را لرزاند. گویی احمد با همه جوانان دیگر فرق داشت. او از شهر برای دیدار دوستانش آمده بود و خیلی با کلاس و مودب رفتار می کرد. تلافی نگاه هایمان مسیر زندگی ام را عوض کرد. احمد را در خلوت روستا دیدم و او از قصه های رنگارنگ شهرو زندگی های رویایی برابرم سخن می گفت به گونه ای که انگار روح و روانم به سوی کاخ آرزوهایم پی می کشید.

بالاخره چند ماه بعد با همه مخالفت های خانواده ام با احمد از دواج کردم و راهی مشهد شدم. شوهرم در یک شرکت ساختمانی به عنوان راننده مشغول کار شد و من هم شغلی در یک فروشگاه لباس پیدا کردم. تازه روزهای هیجانی زندگی ام آغاز شده بود که روزی دنیا روی سرم خراب شد چرا که فهمیدم همسرم به مواد مخدر اعتیاد دارد. حالا فرزندم به دنیا آمده بود و دیگر از آن رفتارهای مودبانه شوهرم هیچ اثری نبود. در حالی که هنوز به خاطر پر خاشگری ها و کتک کاری های او گیج بودم، ناگهان به خود آمدم که من هم در قفس اعتیاد، دست و پامی زدم! ولی خودم نمی خواستم باور کنم که معناد شده ام. روزی که در میان مشاخره های خانوادگی «احمد» مرا زنی معتاد و بی عار خواند، دیگر نتوانستم این جمله توهین آمیز را تحمل کنم! گویی پتکی بر سرم فرود آمد و تازه فهمیدم که زندگی ام نابود شده است. در این شرایط شوهرم با مرا جعه به مرا کت و کلاس های رایگان ترک اعتیاد، مسیر زندگی خود را تغییر داد اما من پنهانی به سراغ مواد فروش محله رفتم و با ترس و اضطراب مقداری مواد تهیه کردم. حالا دیگر فرزند دومم به دنیا آمده بود اما نمی توانستم خودم را از چنگال این افیون وحشتناک برهانم! از سوی دیگر هم به خاطر فرزند نامم عذاب می کشیدم، این بود که به کلاتری آمدم تا کمکم کنیدامای کاش...

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است با دستور ویژه سرگرد احسان سبکبار (رئیس کلاتری شفای مشهد) اقدامات قانونی و روان شناختی برای رهایی این زن جوان از دام اعتیاد، در دایره مددکاری اجتماعی آغاز شد.

**ماجرای واقعی در زیر پوست شهر**

### آگهی آراء هیات حل اختلاف موضوع ماده ۱ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

غلامرضا و محمد خلیل و محمدرضا و خانم ها رقیه و کلثوم و مریم و زهرا همگی محمدی به مساحت ۳۹/۹۵۹۴۸ قسمتی از پلاک ثبتی ۲۷۰ اصلی بخش ۱۳ مشهد از محل مالکیت رسمی قربانعلی صادقی به شماره قطعه ۲۵۲

۲۹- ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی به نام آقای عبدالله اسدی به مساحت ۵۶/۴۴۱۳۱/۴۴ قسمتی از پلاک ثبتی ۲۷۰ اصلی بخش ۱۳ مشهد از محل مالکیت رسمی متقاضی به شماره قطعه ۹۰

۳۰- ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی به نام آقای حسین ابراهیمی به مساحت ۶۲/۶۷۳۴۴/۱۶ قسمتی از پلاک ثبتی ۲۷۰ اصلی بخش ۱۳ مشهد از محل مالکیت رسمی متقاضی به شماره قطعه ۱۱۰

۳۱- ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی به نام آقایان محمد جمعه و احمد رشید عشق آباد به مساحت قسمتی از پلاک ثبتی ۲۷۰ اصلی بخش ۱۳ مشهد از محل مالکیت رسمی عیدمحمد رشید به شماره قطعه ۱۱۷

۳۲- ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی به نام آقای فیض محمد ده خانه به مساحت ۹۵/۳۱۸۴۳/۲۷ اصلی بخش ۱۳ مشهد از محل مالکیت رسمی متقاضی به شماره قطعه ۱۶۴

۳۳- ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی به نام خانم زهرا فخری به مساحت ۲۹/۶۰۴/۶۰۹ قسمتی از پلاک ثبتی ۲۷۰ اصلی بخش ۱۳ مشهد از محل مالکیت رسمی متقاضی به شماره قطعه ۱۹۴

۳۴- ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی به نام خانم زهرا فخری به مساحت ۶۱/۱۳۲۶۳/۱۳ قسمتی از پلاک ثبتی ۲۷۰ اصلی بخش ۱۳ مشهد از محل مالکیت رسمی متقاضی به شماره قطعه ۱۹۵

۳۵- ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی به نام خانم زهرا فخری به مساحت ۲۶/۹۸۲۹۹ اصلی بخش ۱۳ مشهد از محل مالکیت رسمی متقاضی به شماره قطعه ۳۷۱

۳۶- ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی به نام آقای حسین داروغه به مساحت ۹۵/۴۸۲۴۳/۴۸ قسمتی از پلاک ثبتی ۲۷۰ اصلی بخش ۱۳ مشهد از محل مالکیت رسمی متقاضی به شماره قطعه ۲۹۲

۳۷- ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی به نام آقای رضانعلی امیری به مساحت ۴۱/۹۳۵۰۴ اصلی بخش ۱۳ مشهد از محل مالکیت رسمی متقاضی به شماره قطعه ۱۰۹

۳۸- ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی به نام آقای رضانعلی امیری به مساحت ۹۴/۸۱۱۶/۸۱ قسمتی از پلاک ثبتی ۲۷۰ اصلی بخش ۱۳ مشهد از محل مالکیت رسمی متقاضی به شماره قطعه ۳۷۳

۳۹- ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی به نام آقای حسینعلی نوری به مساحت ۷۵/۱۵۸۲۰ اصلی بخش ۱۳ مشهد از محل مالکیت رسمی علی محمد نوری به شماره قطعه ۲۰۰

۴۰- ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی به نام آقای محمد حسین نوری به مساحت قسمتی از پلاک ثبتی ۲۷۰ اصلی بخش ۱۳ مشهد از محل مالکیت رسمی متقاضی به شماره قطعه ۲۷۵

۴۱- ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی به نام آقای غلام حسین صالحی به مساحت قسمتی از پلاک ثبتی ۲۷۰ اصلی بخش ۱۳ مشهد از محل مالکیت رسمی متقاضی به شماره قطعه ۱۲۹

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱۲/۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۱/۱۸

**حسین مهرجو- رئیس ثبت اسناد و املاک فریمان**

م الف ۲۵۰